

پیوند «الکومیدیا السماویة» سروده محمد الفراتی با قرآن کریم

محسن سیفی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۵

لیلا خوبیان**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۵

چکیده

قرآن کریم به عنوان والاترین شاهکار نثر فنی و معجزه خاتم انبیاء، غنی‌ترین متنی است که سروده‌های بسیاری از شاعران با آن پیوند برقرار نموده است؛ از جمله این شاعران محمد الفراتی، شاعر و مترجم نامدار معاصر عربی است که تعبیر و مفاهیم قرآنی را به گونه‌ای هنرمندانه و با خلاقیتی خاص، توأم با ظرافت‌های ادبی در شعرش به کار رفته است و باعث جذابیت و تأثیرگذاری فوق‌العاده اشعارش شده است. بدین منظور پژوهش حاضر در پی آن است که با روش تحلیلی - توصیفی به تبیین و تشریح بینامتنی قرآنی در سروده «الکومیدیا السماویة» بپردازد تا از این رهگذر به شناخت چگونگی و میزان تأثیرگذاری قرآن بر روساخت و ژرف ساخت اشعار او دست یابد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، محمد الفراتی، الکومیدیا السماویة، بینامتنی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

شاعر برای خلق یک اثر هنری و ماندگار و مؤثر، ابزارهای مختلفی پیش رو دارد. او از تصویرهای هنری زیبا، موسیقی گوش‌نواز و متناسب با مضمون، آرایه‌های بدیعی، زبان شعری الهام‌بخش و سایر ابزارهای زبانی و هنری برای تأثیرگذاری و خلق اثر ادبی کمک می‌گیرد. از دیگر ابزارهایی که در آفرینش اثر ادبی تأثیرگذار است و از دیرباز مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده، بکارگیری مفاهیم و تعبیر قرآنی، سروده‌ها، نوشته‌های پیشینیان یا هم‌عصران است.

بدون تردید یکی از راه‌های درک و شناخت عمیق و دقیق متون، بررسی ارتباط و تعامل بین آن‌هاست؛ چراکه مؤلف خواه ناخواه تحت تأثیر معلومات قبلی متون گوناگونی است که مطالعه کرده یا خود تألیف نموده است. بینامتنی به عنوان یکی از گرایش‌های نقدی جدید، به چگونگی ارتباط و تعامل متون می‌پردازد، البته در بلاغت و نقد ادبی قدیم نیز مباحثی از قبیل سرقات شعری، اقتباس، تضمین، تلمیح و... دیده می‌شود؛ که به نوعی با بینامتنی ارتباط دارد.

در گفتمان نقدی معاصر عربی، با نام‌هایی چون التناص، التناصیه، النصویة، تداخل النصوص از آن یاد می‌شود (عزام، ۲۰۰۱: ۴۱). اما در بین این نام‌ها «التناص» بیش از بقیه در گفتمان نقد عربی رواج پیدا کرد. اصطلاح بینامتنی (Intertextuality) نخستین بار توسط ژولیا کریستوا/ Julia kristeva منتقد فرانسوی و در ترجمه تعبیر میخائیل باختین M. Bakhtin از گفت‌وگومندی متون (Dialogeism) که آن را در دهه ۱۹۳۰ معرفی کرده بود ارائه گردید (کریستوا، ۱۳۸۱: ۴۴).

بسیاری از ناقدان معاصر عربی علت پیدایش این اصطلاح و بکارگیری آن در مباحث نقدی معاصر را به تأثیر مکتب نقد ساختارگرایان نسبت داده، و معتقدند که افراط ساختارگرایان در روش نقدی‌شان در تحلیل متن سبب ظهور این اصطلاح شد؛ چراکه ساختارگرایان در تحلیلات خود بر ساختار زبانی خود متن، بدون توجه به تأثیراتی که از صاحب اثر، آراء و نظرات او ناشی می‌شود تکیه داشتند. لذا مبالغه و زیاده‌روی آنان در این روش، سبب پیدایش مصطلح تناص در نقد معاصر شد تا با افراط و زیاده‌روی‌های ساختارگرایان مقابله کرده و از تأثیر روش آن‌ها بکاهد (خلیل، ۲۰۱۱: ۱۰۴).

پیشینه تحقیق

درباره زندگی *الفراتی* کتاب‌هایی چون «الفراتی حیاة و شعره» از شاهر/مریر (۱۹۹۵) و «الفراتی، شاعر وادی الفرات» از احمد شوحان نوشته شده است. هم‌چنین مقاله‌ای با عنوان «الشاعر محمد الفراتی فی الکومیدیا السماویة» از حسین جمعه (۲۰۰۳) به چاپ رسیده است. پژوهش‌هایی نیز در حوزه قرآن صورت گرفته که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تبیین ذکر در سوره انشراح» از مهدی ممتحن و بدیع الله صدری (۱۳۹۴)؛ «قرآن، رخ‌نمایی و بالندگی علوم بلاغی» از زهرا سلیمانی و مهدی ممتحن (۱۳۹۰) می‌باشد، هم‌چنین مقاله‌ای راجع به بینامتنیت با عنوان «بینامتنیت قرآنی در غزلیات حافظ» از احمد رضا یلمه‌ها می‌توان ذکر کرد. اما مقاله‌ای که راجع به بینامتنیت این شاعر باشد یافت نشد.

سؤالات پژوهش

سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا شاعر در این اثر خود افزون بر خلاقیت و شکوفایی ذاتی خود، از قرآن و مضامین آن تأثیر پذیرفته است؟ اگر تأثیر پذیرفته، این تأثیرپذیری تا چه اندازه می‌باشد؟ آیا در آیات قرآن تغییری صورت داده یا همان را بدون تغییر و حذف و اضافه در ابیات خویش به کار برده است؟

فرضیات پژوهش

- محمد *الفراتی* در این سروده در تصویرسازی جامعه آرمانی متأثر از اوصاف بهشت در قرآن است.
- شاعر در انتقاد از ویرانشهر معاصر دست به دامان اوصاف قرآن درباره جهنم شده است.

محمد الفراتی و قصیده الکومیدیا السماویة

محمد *الفراتی* (۱۹۷۸-۱۸۸۰) شاعر و مترجم نامدار معاصر عربی در شهر "دیر الزور" سوریه به دنیا آمد و تحصیلات خود را در الأزهر دنبال کرد. وی علاوه بر شاعری فقیه،

منجم، زبان‌شناس، مترجم، نقاش ماهر و منتقد هنری بود. او در کمال پختگی زبان فارسی را آموخت و به تدریج با آثار ادبی بزرگان علم و ادب فارسی آشنا شد (شاهر امریر، ۱۹۹۵: ۴۸).

پس از سفر خیالی *فراستی* معروف به «الکومیدیا السماویة» آثار زیبا و گرانقدر دیگری با همین درونمایه چون «رسالة الغفران معری»، «کمدی الهی دانته» و «بهشت گمشده ملتون» و ... عرضه شده است و بعضی از پژوهشگران بر این باورند که شاعران معاصر عربی از این آثار تأثیر پذیرفته‌اند (الجمعه، ۲۰۰۳: ۲۲۴-۲۴۸).

سفر *فراستی* برخاسته از عالم تخیلات است که پیوندی استوار میان عالم محسوس و واقعیت‌های ملموس با عالم نامحسوس و واقعیت‌های تحقق‌یافتنی در آینده ایجاد کرده است. این اثر شامل چهار قسمت است که مجموعه‌ای از باورهای مذهبی و حوادث عصر شاعر را در بر می‌گیرد.

- ۱- مقدمه «الکومیدیا» یا «الحلم المریع».
- ۲- من کیستم و از کجا آمده‌ام؟ «من أنا ومن أين جئت إلى هذا الوجود؟».
- ۳- سفر به سیاره‌ها از جمله «کوکب الشعراء، کوکب العباقرة، کوکب الزنادقة».
- ۴- به کجا می‌روم؟ إلى أين مصیری بعد الموت؟ که در قسمت «ماوراء الطبعیة والتعارف الروحی» آورده شده است.

در این سفر خیالی آگاهی از آیات قرآن، باورهای دینی، مسائل فلسفی و نجومی علاوه بر فرهنگ‌مداری و روشنفکری شاعر به قصد نشان‌دادن و به رخ کشیدن معلومات خویش نیز بوده است. به نظر می‌رسد در این سروده مجموعه‌ای از عوامل درونی و برونی با انگیزه‌های اجتماعی سیاسی تأثیرگذار بوده است، از جمله شناخت وی از فساد اخلاقی و رواج بی‌عدالتی و تبعیض در جامعه عربی است.

محمد الفراتی و انس با قرآن

برای تبیین و تشریح تأثیرپذیری *الفراتی* از قرآن کریم، ابتدا مختصری از زندگی او را مورد بررسی و واکاوی قرار می‌دهیم. وطن محمد *الفراتی* شهر دیر الزور است. در آنجا مکتبخانه‌هایی وجود داشت که وی برای کسب علوم مختلف به آنجا می‌رفت. او در آنجا،

خواندن و نوشتن یاد گرفت و به حفظ قرآن کریم مشغول شد. هم‌چنین مبادی فقه، ادبیات، نحو، فلسفه، و ... را به خوبی فرا گرفت. در پایان دوره عثمانی، در شهر دیر الزور، مدرسه‌ای به نام «الرشدیة» تأسیس گردید. *الفراتی* در آنجا نیز علوم دینی و علوم عربی را فرا گرفت و از همانجا فارغ التحصیل شد (شوحان، ۱۹۷۹: ۷).

محمد *الفراتی* به هر مخلوقی که در این دنیا بود شک می‌کرد و به دنبال حقایق می‌رفت تا برایش آشکار و روشن شود. وی کتاب‌های مختلف علمی، فلسفی را مطالعه می‌نمود تا جایی که جواب همه سؤالاتش را در ذات احدیت می‌یافت. خداوند قادر و توانایی که همه چیز را آفریده و بر همه چیز علم و آگاهی دارد. *الفراتی* به خداوند یکتا و فرستاده‌اش حضرت محمد (ص) ایمان آورده بود. او در زندگی‌اش برای رضای خداوند قدم بر می‌داشت و پیامبر اسلام (ص) را آسوه و نمونه اعمالش قرار داده بود (امریر، ۱۹۹۵: ۱۴۴). از آنجا که قبلاً علوم قرآنی را فرا گرفته بود و به حفظ قرآن مشغول شده بود خواه و ناخواه از قرآن تأثیر پذیرفت و آن را در اشعار خویش به کار می‌گرفت.

با این کار *الفراتی* به شعر خود حیات و پویایی و ماندگاری بخشیده بود وی از تضمین و اقتباس در شعرش بهره می‌جست که بازتاب‌دهنده مضامین دینی و قرآنی می‌باشد که به بیان آن می‌پردازیم (همان: ۲۰۴-۲۰۰).

در سفرهای خیالی شاعر، به منظور خلق اثر اسطوره‌ای، از دستاوردهای دینی در اشعارش بهره برده است. تا جایی که شاعر به رنج‌ها و مشکلات انسان رنگ دینی بخشیده و آن را در منصفه ظهور قرار داده است. *الفراتی* از آیات قرآن در سروده خویش بهره می‌برد ولی تأثیر وی از قرآن فقط به آیات منتهی نمی‌شد بلکه وی در سروده «الکومیدیا السماویة» قصه‌های قرآنی را نیز بیان می‌کند.

در این سروده شاعر در سخن طولانی با رفائیل، از زندگی مردم روی زمین گفته و به قصه خلقت آدم پرداخته و سپس دشمنی بین آدم و ابلیس را بیان نموده است. ایشان قصه فرزندان آدم (*هابیل و قابیل*) را در قالب شعر بیان نموده و سپس به پیامبران الهی اشاره نموده است که به بیان هر یک می‌پردازیم.

۱. آفرینش آدم و حوّا

یکی از موضوعاتی که *الفراتی* در سفرهای خیالی خویش به کار برده است مسأله آفرینش آدم و حوّا می‌باشد. شاعر در مقدمه سروده‌اش با نام «فی المریخ مدینة الزاهره»، بیان می‌دارد که انسان‌ها از خاک آفریده شده‌اند و پدر و مادر همه ما، آدم و حوّا می‌باشند، از آنجا که حوّا، آدم را فریب داد و از میوه ممنوعه خوردند هر دو از بهشت خارج شدند. *الفراتی* بیان می‌دارد که علت بدبختی ما در این دنیا به خاطر خطای آدم و حوّا می‌باشد که تا دنیا باقی است ما باید در رنج و عذاب باشیم.

شاعر می‌سراید:

وَمِنَّا أَنَسٌ كَالصَّبَاحِ وَجُوهُهُمْ	لَهُمْ سُوءُ خَلْقٍ كَالدَّجَنَةِ مَظْلَمٌ
عَلَى بَعْدِ مَا بَيْنَ الْعُرُوقِ تَوَافَقُوا	بِأَنَّ آبَاءَهُمْ آدَمٌ وَهُوَ آدَمٌ
وَأَمَّهُمْ حَوَّاءُ أُغْوَتْهُ بِالتِّي	نَهَى اللَّهُ أَنْ يَجْنِيَ جَنَاهَا وَيَطْعَمُ
فَقَالَ اهْبِطَا مِنْهَا وَكَانَتْ وَزَوْجُهَا	بِجَنَاتِ عَدْنٍ قَبْلَ ذَا تَتَنَعَّمُ
أَزْلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَعُوقِبَا	بِمَا نَحْنُ مِنْهُ الدَّهْرَ نَشْقَى وَنَأْلُمُ
عَصَى آدَمَ أَمْرَ الْإِلَهِ وَزَوْجُهُ	فَهَلْ نَحْنُ مِنْ جَرَاءِ ذَلِكَ نَظْلَمُ

(السليمان، ۲۰۰۰: ۲۳۷-۲۳۶)

خداوند در مورد مسأله آفرینش آدم و حوّا اینگونه بیان می‌دارد:

﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/۳۵)

﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ﴾ (بقره/۳۶)

علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» این چنین گفته است:

الفراتی در سروده خویش بیان می‌دارد که علت هبوط آدم، همسر ایشان، حوّا بودند که شوهر خویش را فریب داد و هر دو از بهشت خارج شدند. خداوند متعال در قرآن کریم بیان می‌دارد که شیطان با وسوسه کردن آدم و حوّا، ایشان را وعده‌های دروغین داد و از نظر مقامی هبوط یافتند؛ در تفاسیر آمده که بهشت ایشان جایی در زمین بوده

خوش آب و هوا، و هبوط ایشان یعنی از نظر مقام و منزلت در پیشگاه خداوند کاسته شد.

شاعر در بیت آخر بیان می‌دارد که انسانها به خاطر خطایی که آدم و حوا مرتکب شدند دچار شقاوت و بدبختی حتمی و همیشگی شده ایم:

شَقِينَا شَقَاءً يَعْلَمُ اللَّهُ أَنَّهُ أَضْرَبْنَا ذَاكَ الشَّقَاءَ الْمُحْتَمَّ

(سلیمان، ۲۰۰۰: ۲۳۷-۲۳۶)

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

﴿فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى﴾ (طه/۱۱۷)

الفراتی بدبختی انسان را اجباری و بدون اختیار او می‌داند، در حالیکه خداوند متعال به انسان اختیار داده و او آزاد آفریده شده است و خداوند متعال حق و باطل را به وی نمایانده است و او مختار است هر کدام را که بخواهد انتخاب کند؛ راه مستقیم یا راه شیطان. خداوند بارها در قرآن به دشمن آشکار انسانها اشاره کرده است و شیطان را عامل بدبختی انسانها و ورود ایشان به جهنم می‌داند و به انسانها بارها تذکر داده شده است که از شیطان پیروی نکنید که شما را از راه راست منحرف می‌کند.

در واقع شاعر در این ابیات از قاعده «حوار» یا نفی کلی استفاده کرده است. این نوع از روابط بالاترین درجه بینامتنی است و به خوانش آگاهانه و عمیق نیاز دارد تا بتوان متن پنهان را درک کرد؛ زیرا مؤلف در این نوع از روابط، متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند به گونه‌ای که در خلاف معنای متن پنهان به کار می‌رود (میرزایی، ۱۳۸۸: ۳۰۶).

۲. مرگ و عالم پس از آن

یکی دیگر از موضوعاتی که *الفراتی* در سفر خیالی خود به کارگرفته است عالم پس از مرگ و زندگی است. وی در این سفر «میکال» را همسفر خود قرار داده است و با او به صحبت می‌نشیند. در سروده «الکارته» شاعر بیان می‌دارد که مرگ و عالم پس از آن برای هر انسانی حتمی و قطعی است و مخاطب خویش را به تأمل و تفکر وامی‌دارد چراکه انسان در این دنیا چند صباحی زندگی می‌کند و باید توشه‌ای برای آخرت خویش بردارد.

شاعر اینگونه بیان می‌دارد:

وصاح بنا می‌کالُ أن قد تحطمتُ فما حيلتي هذا قضاءً محتمُّ
فبنیای فی بحرِ الهواجسِ غارقٌ أفکرُ فی صرفِ الردى كيفَ أسلمُ
تنبّهتُ من نومی علی صوتِ صاحبٍ ینادی آیا أماءُ هل أنا مرغمُ؟

(السليمان، ۲۰۰۰: ۲۳۹)

شاعر در این سروده بیان می‌کند که مرگ به سراغ هر انسانی می‌آید و چاره‌ای جز قبول آن نداریم. وی به افرادی که غرق در متاع دنیای خویش هستند هشدار می‌دهد که از خواب غفلت خویش بیدار شوند شاعر این مضمون را از سوره قرآن گرفته و خداوند می‌فرماید:

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ رُحِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمْتَاعٌ الْعُرُورِ﴾ (آل عمران/ ۱۸۵)

الفراستی به مرگ اعتقاد دارد و همانطور که در ابیات ملاحظه می‌شود وی مرگ را چیز حتمی و مبرم می‌داند که هیچ‌کس نمی‌تواند از چنگال‌اش رهایی یابد. به نظر او انسان هر کجا و در هر شرایطی باشد اگر اجل او رسیده باشد، مرگ، او را فرا خواهد گرفت و آن را خواهد چشید. شاعر در سروده خویش هشدار می‌دهد به کسانی که غرق متاع ناچیز دنیا شده‌اند که ای انسان‌ها از خواب غفلت بیدار شوید و فریفته دنیا نشوید و برای آخرت خود توشه بردارید.

شاعر در سروده «من أنا، من أين، جئت الی هذا الوجود» این مطلب را بیان می‌دارد:

هوی نحو الحضيضِ فعادَ جسمی وإیاهُ هنالك كالهشيمِ
فعندئذٍ شعرتُ بأنَّ روحی نأتُ عن ذلك الخللِ القديمِ

(السليمان، ۲۰۰۰: ۲۴۲)

شاعر با توجه به مفاهیمی که در مورد روح یا به عبارتی ارواح بیان می‌دارد، عالم برزخ را به تصویر کشیده که در آنجا همه روح‌ها وجود دارند؛ سپس در روز قیامت همگی شان به دوست قدیمی یعنی جسم برمی‌گردند و به آن می‌پیوندند. این معنی برگرفته از آیه‌ای از قرآن است که خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره/ ۱۵۶)

۳. دنیا و آخرت

شاعر در ادامه سروده خویش «کوکب الشعراء» بیان می‌دارد که به متاع زودگذر دنیا دل مبنیدید؛ چراکه انسان را فریفته می‌کند. وی از دنیا کم‌ترین مال و جاه و مقام را داشته، و در پی ذخیره کردن توشه آخرت بوده است:

بفضلِ اللَّهِ كُنْتُ أَقْلَ مَالاً على الدنيا وكنْتُ أَقْلَ جَاهًا
وكنْتُ أُسِيرُ مِنْ نَفْسِي بِجَيْشٍ لَهُ زَجَلٌ وَإِنْ تَبَعْتُ هَوَاهَا

(السليمان، ۲۰۰۰: ۲۴۵)

شاعر اینگونه بیان می‌دارد که اگر از هوای نفس‌اش تبعیت کند خود را اسیر شهوات کرده و نمی‌تواند توشه‌ای برای آخرت‌اش ذخیره کند. همانطور که خداوند در قرآن بیان می‌دارد که از هوای نفسانی خود تبعیت نکنید؛ چراکه شما را از راه راست منحرف می‌کند. به فکر آخرت‌تان باشید، روزی که مال و فرزند هیچ‌کدام به شما سودی نمی‌رسانند، آنچه که در آن روز مهم است عمل صالح است.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾ (شعراء/ ۸۸)

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ (فصلت/ ۴۶)

همانطور که از معنای آیه مشخص است عمل قائم به صاحب عمل است و بیانگر حال اوست. اگر عمل صالح و مفید باشد، خود او هم از آن سود می‌برد و اگر مضر و بد باشد، خودش از آن متضرر می‌گردد، پس این رفتار خدای تعالی که نفع عمل صالح را به صاحب‌اش می‌رساند و او را ثواب می‌دهد و ضرر عمل بد را نیز به صاحب‌اش می‌رساند و عقاب‌اش می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۵۵).

۴. قیامت

الفراتی علاوه بر اینکه به مرگ و عالم پس از مرگ (برزخ) اعتقاد داشت، به روز قیامت نیز اعتقاد دارد، وی با بیان مسائل مرگ و زندگی و روز قیامت، قصد دارد تا مسائل اجتماعی و سیاسی به‌ویژه ظلم و فساد که در جامعه حاکم بود را بیان کند:

در سروده «کوکب الشعراء» وی اینگونه می‌سراید:

سینکشفُ الحجابُ غدأ فتخزى
عمائمُ كالقلائسِ خادعاتٍ
أناسٌ حينَ لا يخزى سواها
وقيتَ السَّوءِ فاحذرُ من رياها
(السليمان، ۲۰۰۰: ۲۴۶)

شاعر می‌گوید، روزی که حجاب‌ها برداشته می‌شود و هر کس به سزای اعمال خود می‌رسد؛ اگر نیکی انجام داده باشد در روز قیامت پاداش آن را می‌بیند و اگر عمل بدی انجام داده باشد یا از روی ریا بوده است جزای همه را در روز قیامت مشاهده می‌کند. ای انسانی که به مردم بینوا و ستم‌دیده ظلم روا می‌داری آگاه باش و بدان که روز قیامتی در کار است و به سزای اعمال‌ات رسیدگی خواهد شد و تو را مجازات خواهند کرد. پس از این کارهای ناجوانمردانه دست بردارید و کار شایسته انجام بدهید تا توشه‌ای برای آخرت‌ات ذخیره کنید و به رستگاری برسید.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ﴾ (طارق/۹)

در سروده «کوکب الزنادقه» شاعر اینگونه می‌سراید:

وأوسعنا السماءَ هناكَ سبباً
رأنا اللهَ (أطفالاً كباراً)
فأتعبنا الكرامَ الكاتبينَا
على الغبراءِ نجرى عابثينَا
وأطفالاً على التحقيقِ لسنا
بذاك الجدِّ إلا لاعبينَا
(السليمان، ۲۰۰۰: ۲۴۸)

خداوند متعال می‌فرماید ما آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌هاست را بیهود خلق

نکرده‌ایم:

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾ (دخان/۳۸)

بعد از اینکه آیات روز قیامت بیان شد، خداوند در سوره زلزله، بیان می‌دارد که در آن

روز همه اعمال انسان‌ها، از ریز و درشت در نامه اعمال بررسی می‌شوند:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (زلزله / ۸-۷)

این آیه از جمله آیاتی است که پشت را می‌لرزاند و نشان می‌دهد که حسابرسی

خداوند در آن روز فوق العاده دقیق و حساس است، و ترازوهای سنجش عمل در قیامت

آنقدر ظریف است که حتی کوچک‌ترین اعمال انسان را وزن می‌کنند و به حساب

می‌آورند. *الفراتی* مضمون این آیه را اینگونه بیان می‌دارد که اگر تمام اعمال ما از کوچک و بزرگ را کرام الکاتبین بنویسند، خسته می‌شوند؛ و نیازی به این همه ظرافت و دقت نیست. ولی همانطور که در آیات قرآن مشاهده کردیم، همگی اعمال انسان‌ها در نامه عمل‌اش نوشته می‌شود از کوچکترین شان گرفته تا بزرگ‌ترین.

۵. وصف جهنّم

اکنون به موضوع دیگری از مضامینی که شاعر در سروده‌اش به کار برده می‌پردازیم. شاعر در سروده «فی المریخ مدینة الزاهرة» جهنّم را اینگونه توصیف می‌کند:

لَقَدْ أَخْبَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ بِأَنَّهُ يَعَذِّبُ مَنْ مِنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ
وَأَنَّ جَزَاءَ الْمُؤْمِنِ الْبِرِّ جَنَّةٌ وَأَنَّ جَزَاءَ الْكَافِرِينَ جَهَنَّمُ

(سلیمان، ۲۰۰۰: ۲۳۷)

الفراتی با استفاده از آیات قرآنی، بیان می‌دارد که هر که به خدا و رسول‌اش ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد جایگاه او بهشت است، و هر کس که ایمان نیاورد و کار ناشایستی انجام دهد، جایگاه او جهنّم است.

در سروده «کوکب الزنادقه» شاعر بیان می‌کند که کیفر کافران آتش دوزخ است که در آن گرفتار می‌شوند:

لَوْ أَنَّ اللَّهَ كَانَ كَمَا تَرَاهُ لَبُتْنَا فِي الْعَذَابِ مَخْلَدِينَ

(السلیمان، ۲۰۰۰: ۲۴۹)

خداوند در قرآن کریم، کافران را اینگونه معرفی نموده است:

﴿الَّذِينَ عَلِمُوا أَنَّهُ مِنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ﴾

(توبه/۶۳)

در این آیه خداوند چهره منافقین را بیان می‌کند که با فریب و نیرنگ چهره واقعیات را در نظر مسلمانان دگرگون جلوه می‌دهند. آن‌ها با اعمال خویش خدا و پیامبرش را به شدت ناراضی می‌کردند. این آیه تهدیدی است برای منافقین که جهنم جایگاه آن‌هاست که خود رسوائی و ذلت بزرگی است برای آنان (شیرازی، ۱۳۶۳: ۲۱).

شاعر در ابیاتی که سروده در وصف جهنم بیان می‌دارد که جایگاه کافران است، کسی که به خدا و رسول‌اش ایمان ندارد در آتش دوزخ گرفتار می‌شود و مدت‌ها در آنجا می‌ماند و عذاب می‌کشد اما عکس آن هم وجود دارد؛ کسانی که به خدا و فرستادگان‌اش ایمان دارند جایگاه‌شان بهشت برین است و در آنجا به خوبی و خوشی زندگی می‌کنند.

شاعر در سروده «کوکب الشعراء» جهنم را اینگونه وصف می‌کند:

تراه إذا مررتُ غداً علیه
لدي سقرٍ يلوخُ في لظاهها
ألا فلتعتقدُ ناسٌ بأنّي
لدي سقرٍ وتنعمُ في شقاها

(السليمان، ۲۰۰۰: ۲۴۶-۲۴۵)

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا سَقَرٌ﴾ (مدثر / ۲۷)

در ابیاتی که محمد *الفراتی* در سروده خویش به کار برده است، از قاعده «امتصاص» یا نفی متوازی استفاده کرده؛ در نفی متوازی متن پنهان پذیرفته می‌شود و به صورتی در متن حاضر به کار گرفته می‌شود که جوهره آن تغییر نکرده باشد (میرزایی، ۱۳۸۸: ۳۰). شاعر با بیان مضامین جهنم همچون "سقر، زقوم" که برگرفته از آیات قرآن است، رعب و ترس را در دل مخاطب خویش ایجاد کرده و آن‌ها را از انجام منکرات نهی کرده و به انجام معروفات امر می‌کند.

۶. وصف بهشت

الفراتی در سروده «کوکب العباقرة» بهشت را اینگونه به تصویر کشیده است:

نظرتُ إلى مدائنِ عامراتٍ
وجنّاتٍ بها دانٍ جنّاهها
تخالُ ترابها مسكاً ذكياً
وياقوتاً ومُرجاناً حصاهها
يعيشُ المرءُ فيها ألفَ عامٍ
وإن شاءتُ تجددُ مُبتداهها

(السليمان، ۲۰۰۰: ۲۴۹)

وی بیان می‌کند که بهشت دارای باغ‌های بسیاری است که انسان‌های مؤمن در آنجا جاویدان می‌باشند و از هر چه بخواهند نصیب‌شان می‌شود.

خداوند متعال در سوره «الحاقه» وصف بهشتیان را اینگونه بیان می‌دارد:

﴿فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ قَطُوفُهَا دَانِيَةٌ كَلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْفَقْتُمْ فِي الْأَيَّامِ
الْخَالِيَةِ﴾ (الحاقه/۲۴-۲۱)

شاعر در این سروده بیان می‌دارد که در سیاره عباقره باغ‌هایی وجود دارد که میوه‌های آن همگی رسیده است و وقت چیدن آن فرا رسیده است. خاک آن باغ مثل مشک، خوشبو و سنگ‌ریزه‌های آن مثل یاقوت و مرجان زیبا می‌باشند. انسان‌ها در آنجا هزاران سال زندگی می‌کنند و هر وقت بخواهند از نو دوباره زندگی را شروع می‌کنند. در واقع الفراتی آن سیاره و شهرهای موجود در آن را به بهشت برین تشبیه نموده است و آن را توصیف می‌کند.

الفراتی در سروده‌های خویش به حوریان بهشتی اشاره دارد که در بهشت حضور دارند. البته شایان ذکر است که در این سروده شاعر از دنیا و شراب و جام‌های شراب صحبت به میان آورده و زنان را به «حورالعین» تشبیه نموده است؛ به عبارتی با استفاده از محسوسات دنیایی، قصد دارد بهشت و هر آنچه در آن است را به تصویر بکشد تا برای مخاطب ملموس‌تر باشد:

كحور العين في جناتِ عدنٍ لو أن الشيبَ يصفحُ عن صباها
(السليمان، ۲۰۰۰: ۲۵۱)

قرآن در وصف بهشتیان بیان می‌دارد که:

﴿مُتَكِبِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ، وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ﴾ (طور/۲۰)

الفراتی در این سروده به دنیا و مجالس می‌گساری زنان و مردان اشاره دارد. وی بیان می‌کند که زنان و مردان به خوردن شراب مشغول‌اند و از آن لذت می‌برند. وی زنان را به حوریان بهشتی تشبیه کرده و به وصف ایشان می‌پردازد؛ درست عکس معنای آنچه که در قرآن آمده و بهشت را توصیف کرده است. در واقع شاعر به معنای معنوی، معنای مادی و دنیوی بخشیده که قاعده «حوار» به کار برده است.

وی سعی دارد تا با بیان مضامین دینی، آخرت را توصیف نموده و پاداش یا عقاب اعمال انسان را در بهشت یا جهنم بیان دارد.

۶. بینامتنی نام‌ها

الفراستی علاوه بر اینکه به ذکر مسائل دنیوی، برزخی و اخروی پرداخته است، اسامی پیامبران (علیهم السلام) را در سروده «فی المریخ مدینة الزاهرة» بیان نموده و به بیان ویژگی هر یک پرداخته است:

على الملكِ داودَ الزبورُ تنزلتُ
فداودُ بينَ الناسِ بالحقِّ يحكمُ
(السليمان، ۲۰۰۰: ۲۳۷)

شاعر در این سروده بعد از ذکر خلقت آفرینش آدم و حوا، قصه حضرت داوود (ع) را بیان می‌کند. کتابی که بر ایشان نازل شد «زبور» نام دارد تا به کمک آن بین مردم به حق حکم نماید. در قرآن آمده است:

﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَصْلُونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾ (ص / ۲۶)
ومن قبله موسى بن عمران رحمةً
فتورأته وحى من الله لهمم
(السليمان، ۲۰۰۰: ۲۳۷)

شاعر بعد از بیان ویژگی حضرت داوود (ع) به حضرت موسی (ع) پرداخته و کتابی را که بر وی نازل شده بیان می‌دارد که «تورات» نام دارد. خداوند در قرآن حضرت موسی (ع) را اینگونه معرفی می‌کند:

﴿ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ
بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ﴾ (انعام/ ۱۵۴)

شاعر با بیان کتبی که بر پیامبران نازل شده، یادآور می‌شود که همه فرستادگان الهی به حق بودند و از جانب خداوند متعال برگزیده شده‌اند. ایشان وظیفه خطیر و مهمی بر دوش دارند که همان تبلیغ دین الهی و هدایت بشر است. آن را برای بیداری مردن ابلاغ می‌کنند تا به راه راست هدایت شوند.

سپس شاعر در مورد حضرت عیسی (ع) بیان می‌دارد که ایشان روح خداوند می‌باشند که کتاب «انجیل» بر او نازل شد و هدایت‌کننده بشر است:

وعيسى أتى روحاً من الله هادياً
إلى الناسِ بالإنجيلِ للشرِّ يحسمُ
(السليمان، ۲۰۰۰: ۲۳۷)

خداوند در قرآن ایشان را اینگونه معرفی می کند:

﴿وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (مائده/۴۶)

الفراتسی پس از بیان خصوصیات حضرت عیسی(ع) از خاتم پیامبران، حضرت محمد(ص) صحبت می کند که ایشان آخرین پیامبر است که کتاب مقدس «قرآن» بر ایشان نازل شده است. با آمدن ایشان ادیان الهی کامل شدند:

وَأَرْسَلَ خَتَمَ الْأَنْبِيَاءِ مُحَمَّدًا بفرقانه شرع الإله يتمم

(السليمان، ۲۰۰۰: ۲۳۷)

نام محمد(ص) پیامبر اسلام در قرآن با عنوان محمد ۴ بار و با عنوان احمد ۱ بار آورده شده است. احمد در سوره صف آیه ۶ و محمد در سوره های سوره آل عمران آیه ۱۴۴ و سوره احزاب آیه ۴۰ و سوره محمد آیه ۲ و سوره فتح آیه ۲۹ آمده است. خداوند متعال در آیه ۴۰ سوره احزاب:

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾

ارتباط پیامبر(ص) با اعراب را تنها از ناحیه رسالت و خاتمیت می داند. نکته قابل توجه این است که خاتم انبیا بودن، به معنی خاتم المرسلین بودن نیز هست؛ چراکه مرحله رسالت مرحله ای است فراتر از مرحله نبوت، «رسول» عبارت است از کسی که حامل رسالتی از خدای تعالی به سوی مردم باشد.

و «نبی» آن کسی است که حامل خبری از غیب باشد و آن غیب عبارت است از دین و حقایق آن، و لازمه این حرف است که وقتی نبوتی بعد از رسول خدا(ص) نباشد، رسالتی هم نخواهد بود، چون رسالت، خود یکی از اخبار و انباء غیب است، وقتی بنا باشد انباء غیب منقطع شود، و دیگر نبوتی و نبی ای نباشد، قهراً رسالتی هم نخواهد بود(مراغی، ۱۹۸۵: ۱۵-۱۳).

در بینامتنی نامها شاعر اسامی پیامبران و ویژگی ایشان را در سروده خویش به کار برده است تا مخاطب خویش از جمله حاکمان و فرمانروایان، ایشان را اسوه و پیشوای حکمرانی در مسیر زندگی قرار دهند و بدانند که همگی شان به حق بودند و رسالتی بر

دوش داشتند تا مردم را به راه راست هدایت کنند. وی از قاعده «اجترار» در ارتباطش با متن غایب بهره جسته است. *الفراستی* جزئی از الفاظی را که در قرآن در مورد پیامبران آمده است را بیان نموده است که به آن اشاره شد.

نتیجه بحث

در این پژوهش با توجه به سؤالات و فرضیه‌های مطرح‌شده نتایج زیر به دست آمد: شاعران برای بیان عواطف و احساسات‌شان از هر ابزاری استفاده می‌کنند. *الفراستی* از جمله شاعرانی است که سفر خیالی خود را آمیخته با مضامین دینی و قرآنی آغاز کرده و واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی و مفساد و ظلمی که در جامعه حاکم بود را بدین شیوه بیان می‌کند. با این کار شاعر عالم خیال را با عالم معنوی درآمیخته؛ وی علاوه بر احیاء میراث قدیم عرب، مخاطب خویش را با آموزه‌های دینی به‌ویژه قرآن آشنا می‌کند و ایشان را به تفکر و تأمل در امور دنیوی و اخروی وا می‌دارد. در سروده «الکومیدیا السماویة» شاعر از انواع روابط بینامتنی شامل اجترار، امتصاص و حوار استفاده کرده که از این میان قاعده اجترار از بسامد بالایی برخوردار می‌باشد، وی ابیات خویش را با تغییرات جزئی در سروده خویش به کار برده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- امریز، شاهر. ۱۹۹۵م، **الفراتی حیاته وشعره**، دمشق، دار معد الطباعة.
- امین اصفهانی، نصرت. ۱۳۶۱ش، **تفسیر مخزن العرفان**، تهران: انتشارات نهضت زنان مسلمان.
- الجمعه، حسین. ۲۰۰۳م، **الشاعر محمد الفراتی فی الکومیدیا السماویه**، بی جا: آفاق المعرفة.
- السلیمان، محمد صالح. ۲۰۰۰م، **الرحلات الخیالیة فی الشعر العربی الحدیث**، منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- شوحان، احمد. ۱۹۷۹م، **محمد الفراتی شاعر وادی الفرات**، بی جا: مکتب الفرات.
- شیرازی، مکارم. ۱۳۶۳ش، **تفسیر نمونه**، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۹۷ق، **تفسیر المیزان**، تهران: بی نا.
- طعمه حلبی، احمد. ۲۰۰۷م، **التناص بین النظرية والتطبيق**، دمشق: وزارة الثقافة.
- عزام، محمد. ۲۰۰۱م، **النص الغائب**، دمشق: دراسة من منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- قرائتی، محسن. ۱۳۸۸ش، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- محمود، خلیل ابراهیم. ۲۰۱۱م، **النقد الأدبی الحدیث من المحاکاة إلى التفکیک**، الجامعة الأردنية: دار المسیرة.

مقالات

- ممتحن، مهدی، و بدیع الله صدری. ۱۳۹۴ش، «بررسی و تبیین ذکر در سوره انشراح»، فصلنامه مطالعات قرآنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، دوره ۵، ش ۱۹، صص ۱۰۷ - ۹۱.